

حاج محتشیم السلطنه اسفندیاری

مرحوم اسفندیاری بتمام معنی خداپرست و بحقایق دیانت اسلامی ایمان و عقیده ثابت و کامل داشت نسبت بهمه کس خیرخواه و بیشتر اوقات خود را صرف انجام حوایج مردم می کرد از بیچارگان دستگیری و از مظلومان و ستمدیدگان حمایت داشت و در عین حال دقیقه‌ای از مطالعه علوم قدیمه و جدیده غفلت نداشت و برجسته ترین نمونه و جامع منحصر بفرد بین علماء قدیم و جدید بشمار میرفت و در عربیت و ادبیت و خط و انشاء بسی نظیر بود. بعلاوه در فقه و اصول و تفسیر و حدیث و فلسفه و عرفان و ریاضیات معلومات زیادی اندوخته بود و بزبانهای انگلیسی، فرانسه و آلمانی آشنائی داشت بحدی که خطبه فصیح و بلیغ آن مرحوم در جشن هزارساله فردوسی که از علماء بزرگ دنیا و نمایندگان دول غربی و شرقی تشکیل شده بود و حقا کرسی ریاست این مجمع بین المللی را اشغال کرده بود نمونه کامل نثر محکم و سلیس فارسی است که از آنروز تاریخی بیادگار مانده است و تألیفاتش در فقه (تجارت) و اخلاق که بزیرورطیع و نشر درآمد و مشتمل بر معانی بزرگ و دستورهای عالی اخلاقی است که یادگار جاوید والی الابد باقی خواهد ماند و همچنین دارای قطعات و اشعار نغز و شیوایی است که طراوتش نتیجه عقل سلیم و ذوق لطیف و ازغرائز و خصایص خدادادی او بشمار میرود.

مرحوم اسفندیاری در ماه ذیحجه ۱۲۶۳ در تهران متولد شده بود و پس از تحصیلات مقدماتی و گذراندن دوره دارالفنون در سن ۲۰ سالگی وارد خدمت دولت و در وزارت خارجه بکار مشغول شد و پس از مدتی آموختن تجربه بعنوان نایب سفارت با اتفاق مرحوم مؤید السلطنه گرانبایه به برلن اعزام گردید و در دوره این مأموریت خاطره‌های فراوانی از بیسمارک که در آن تاریخ صدراعظم تاریخی بود داشت و پس از مراجعت که ضمناً به حج مشرف شده بود بریاست اداره دول غیر همجوار در وزارت خارجه گماشته شده است و در سال ۱۳۱۲ بعد از ۲۷ سال خدمت از طرف ناصرالدین شاه بلقب محترم السلطنه نائل و با سمت ژنرال قونسل ایران بهندوستان عزیمت مینماید و بخوبی دوره این مأموریت را پایان رسانیده و هنگام مراجعت بایران که تصادف با سلطنت مظفرالدین شاه داشت بریاست ادارات وزارت امور خارجه انتخاب و با همین سمت در زمهره همراهان مظفرالدین شاه در سفر سوم بااروپا می‌رود و سپس در دوره محمدعلی شاه مخلوع هنگام سدارت مرحوم مشیرالدوله مترجم حضور و رابط بین شاه و وزارت امور خارجه میشود و در ابتدای مشروطه همینکه محمد علی شاه میرزا علی اصغر خان را بصدارت برگزید مرحوم اسفندیاری بمرعوت وزارت خارجه منصوب و کارهای دولت در مجلس اول بوسیله او حل و فصل میشد و در سال ۱۳۲۵ در حل اختلافات سرحدی ایران و عثمانی ریاست هیئت ایرانی و استانداری آذربایجان غربی را توأمأ داشته خدمات شایسته‌ای را در این مأموریت خطیر انجام داده است و در سال ۱۳۲۸ در کابینه مرحوم مستوفی الممالک برای نخستین بار بوزارت دادگستری منصوب و در موقع ترمیم کابینه شغلش تبدیل بوزارت خارجه گردید و در این سمت برای مجازات قاتلین صنیع الدوله بواسطه مقامش جدیدت زیادی بکار برد و در مقابل روسهای تزاری مقاومت عجیبی از خود ظاهر کرد و سپس در کابینه مرحوم سپهسالار باز بسمت وزارت خارجه ادامه خدمت داد و در کابینه سپهسالار از جهت اختلاف با مجلس و عزیمت بااروپا که تارشت رفت ریاست وزرائی را باو پیشنهاد کردند ولی از جهت صلاح کشور قبول ننموده شخصاً وسائل استرضای سپهسالار را فراهم کرد و در خلال این مدت کفالت نخست وزیری هم بعهده او بود و سپس مدتی بیکار بود تا در کابینه ترمیمی مرحوم مصمص السلطنه که بعد از شکست محمد علی میرزا و سالار الدوله بعمل آمد بوزارت عدلیه انتخاب شد و پس از مدت قلیلی در همین کابینه سمتش بوزارت داخله تبدیل گردید و بعد از استعفای مرحوم مصمص السلطنه که منتهی به تشکیل کابینه مستوفی الممالک شد. مرحوم اسفندیاری بوزارت عدلیه برگزیده شد و تا بعد از تاجگذاری احمد شاه که در این کابینه

بعل آمد بازیکار بود و سپس در کابینه عین الدوله سمت وزیر خارجه را داشت (۱۳۳۳) و در کابینه مستوفی که در همین سال تشکیل شد بوزارت خارجه ادامه داد و در سال ۱۳۳۵ در کابینه علاء السلطنه بوزارت مالیه انتخاب شد و درموقع عزیمت محمدحسن میرزا ولیعهد بعنوان استاندار کل خطه آذربایجان و پیشکاری ولایت عهد به تبریز رفته و با کمال سیاست و کیاست این قسمت وطن را که باز چهار مخاطره عظیمی بین روسهای تزاری و عثمانی متعصب شده بود نجات داد .

در سال ۱۳۳۸ قمری با انعقاد قرارداد معروف انگلیس و ایران جداً مخالفت نمود و بدین جهت با اتفاق آفایان ممتاز الملک و مستشار الدوله و حاج معین التجار بوشهری بفرج آباد کاشان تبعید شد و در سفر تبعیدی بواسطه حادثه بین راه چشم چپش معیوب شده و میداند که با مسبب این بدبختی بهیچوجه معارضه بمثل نکرد بلکه در هر موقع که مصالح کشور اقتضاء مینمود از مساعدت با او خودداری نداشت. پس از مراجعت از کاشان در کابینه مشیر الدوله که روی کار بود کار قبول نکرد تا مجلس منحل گردید و در کابینه دوم قوام السلطنه بوزارت معارف گمارده شد بعد از سقوط کابینه قوام السلطنه سمت وزارت فرهنگ را در کابینه مستوفی الممالک ادامه داد و اگر ترمیم های کابینه را تشکیل کابینه محسوب داریم یازده نوبت بوزارت منتخر شده و الا هشت بار وزارت یافته است تنظیم برنامه دبیرستان و تقسیم بعلمی و ادبی از آثار او و در همین تاریخ بوده است و سپس با صلاح امر نوغان پرداخته و هم خود را مصروف این رشته حیاتی کشور نمود .

از دوره پنجم از طهران و مازندران تا دوره سیزدهم مرتباً بوکالت مجلس شورای ملی انتخاب و از دوره دهم به بعد ریاست مجلس شورای ملی را نیز متوالیاً دارا بود که جمماً شانزده مرتبه بریاست انتخاب شده است .

اما خود آن فقید سعید از ابتدای دوره دوازدهم با نمایندگی خودش مخالف بود و از جهت کیرسن خود هر دو مرتبه عدم قبول خود را کتباً بوزارت کشور اطلاع داده است ولی دفعه اول بعلت تمایل اعلیحضرت رضاشاه کبیر که در مقابل او چون و چرا راه نداشت و دفعه دوم از جهت مقتضیات کشور و تقاضای عموم طبقات مختلفه مرکز ناچار بقبول گردید و نباید فراموش کرد که از جهت انعقاد قرارداد با متفقین و تشریک مساعی دائمی با مرحوم فروغی در حل و فصل امور کشور و عملی کردن استعفاء رضاشاه و جلوس اعلیحضرت همایون محمد رضاشاه شاهنشاه آریامهر بخدمت گرانبھائی هم موفق گردید و در مدت ریاست مجلس ریاست جمعیت طرفداران جامعه ملل و عضویت فرهنگستان را نیز حائز شد و اخیراً که از کارهای رسمی کناره گرفت ریاست شورای عالی دینی را که از علماء درجه اول تشکیل

شده بود دارا گردید و در سنوات اخیر دو مأموریت مهم هم از نقطه نظر شخصیت و اهمیت فوق العاده که داشت باو ارجاع شد یکی ریاست نمایندگی ایران در موقع تاجگذاری اعلیحضرت ژرژ ششم پادشاه انگلستان در این مسافرت خاطر جالبی با هیتلر صدر اعظم آلمان دارد که مرحوم معظم برای بنده صحبت کردند.

فرمودند همینکه با هیتلر روبرو شدم و با تہارف معمولی جلوس نمودیم هیتلر از من سؤال کرد که آیا شما سابقاً هیچ وقت در آلمان مأموریت داشته اید در آن موقع وضع محل و آلمان و مسافرت را فراموش کرده و بتصور اینکه در ایران هستم و یکی از وزراء جوان کشور میخواهد خودنمایی کند و خدمات خود را تحویل من بدهد و منہم با شوخی مستخره اش میگردم بی اختیار جواب دادم بلی ولی قبل از تولد سر کار بود.

مترجم نگاهی متبسما نه بمن کرد و عبارت مرا چنین ترجمه کرد که بلی ولی خیلی سابق بود هیتلر از طرز نگاه کردن مترجم فهمید که عبارت مرا کاملاً ترجمه نکرده و باروی خوش و خنده ب مترجم گفت میل دارم عین عبارت نماینده محترم و مسن ایرانرا برای من ترجمه کنید و او هم ترجمه کرد و من هم توضیح دادم که من بواسطه شیخوخیت با وزراء جوان ایران شوخی زیاد میکنم و حضرت صدر اعظم را هم تصور کردم که از آنان هستند و این اشتباه موجب این طرز اظهار گردید.

ایشان هم نهایت خوشوقتی را اظهار داشتند و دیگری برای وصلت در خاندان سلطنتی ایران و مصر است که مختصری از اقدامات محرمانه آن مرحوم را که برای اتحاد اسلام و رفع اختلاف شیعه و سنی در ضمن انجام امر و وصلت انجام داده متذکر میشوم. مرحوم اسفندیاری در مأموریت مصر با شیخ الازهر و جوهری طنطا صاحب تفسیر معروف محرمانه تماس حاصل و مذاکراتی در باب رفع اختلاف سنی و شیعه جریان یافته که قرار بود بعد از حصول توافق دولت ایران و دول عربی برای اولین بار در موقع حج که مسلمانان جهان در مکه اجتماع دارند توافق دولت ایران و دول عربی اعلام و بموقع اجرا گذارده شود.

شیخ مصطفی مراغی و جوهری از جهت شخصیت ممتاز آن مرحوم پیشنهادات او را بتصور اینکه این مذاکرات با اجازه و رضایت دولت ایران بعمل می آید فوقاً آماده استقبال و با جلب موافقت اولیاء دولت مصر ظاهراً موادی هم تنظیم شده است و چنین استنباط می شود که مرحوم اسفندیاری میخواست دول عربی را بتصور موافقت دولت ایران در این کار پیشقدم نماید تا از وصلت دو خاندان سلطنتی خدمت مذهبی و دینی هم انجام داده باشد و الا با اوضاع آنروز که اینگونه اقدامات در ایران قابل طرح و مذاکره نبوده است بهر حال ما این فقدان عظیم را که ضایعه بزرگ عالم فرهنگ و اخلاق و اسلام و ایران محسوب و فراموش شدنی نیست بملت ایران عموماً بفرزندان برومند و اقارب آن فقید و سمید مجدد تسلیم و بروان پاکش درود میفرستیم.

علی اکبر تشید مشاور حقوقی مجلس شورای ملی در ادوار گذشته